

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۰

میزان و چگونگی کاربرد استفاده از اصطلاحات عامیانه و کنایات در شعر دوره

قاجار با بررسی ده شاعر و تکیه بیشتر بر ایرج میرزا

(ص ۸۵ - ۶۵)

زهرا اسفندیاری پور^۱ (نویسنده مسئول)، احمد خاتمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

بی‌تردید کیفیت ادبی هر عصر بستگی تمام به اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر دارد. شاعران دوره قاجار از پیشگامان و از مردمی‌ترین شاعران معاصر ایران است. بخش وسیعی از ادبیات عامه اصطلاحات عامیانه و کنایات است که در میان مردم متداول است و زبان این اصطلاحات چون اختصاص به عامه مردم دارد محوره‌ای است. و این آثار جزو سرمایه‌های معنوی هر ملت و میراث اجتماعی یک قوم، یا یک جامعه است. به همین خاطر نباید در بوته فراموشی قرار گیرند مقاله حاضر در بر دارنده نتیجه پژوهشی است که در مجموعه آثار شاعران دوره قاجار از جمله صبا، وصال، قآنی شیرازی، فروغی بسطلمی، یغمای جندقی، سروش اصفهانی، ایرج میرزا، فتح‌الله خان شیبانی، محمودخان ملک الشعراء، شوریده شیرازی به منظور شناسایی اصطلاحات عامیانه و کنایات در اشعار شاعران با حدود تقریبی ۱۴۱،۸۷۶ بیت انجام شده است که ایرج میرزا با ۹۲۷ اصطلاح عامیانه رتبه نخست و فروغی بسطلمی با ۶۱ اصطلاح عامیانه رتبه آخر را به خود اختصاص داده اند.

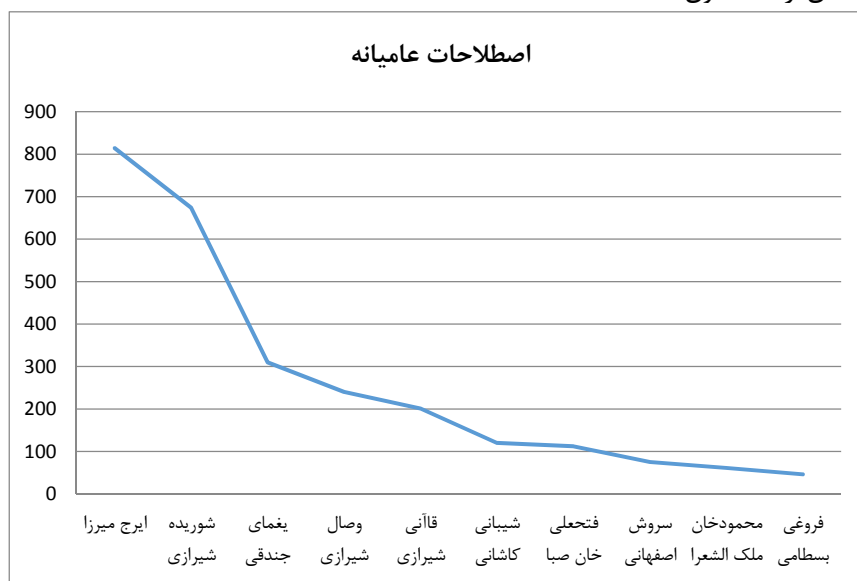
کلمات کلیدی: ادبیات عامه، ایرج میرزا، اصطلاحات عامیانه، کنایات عامیانه.

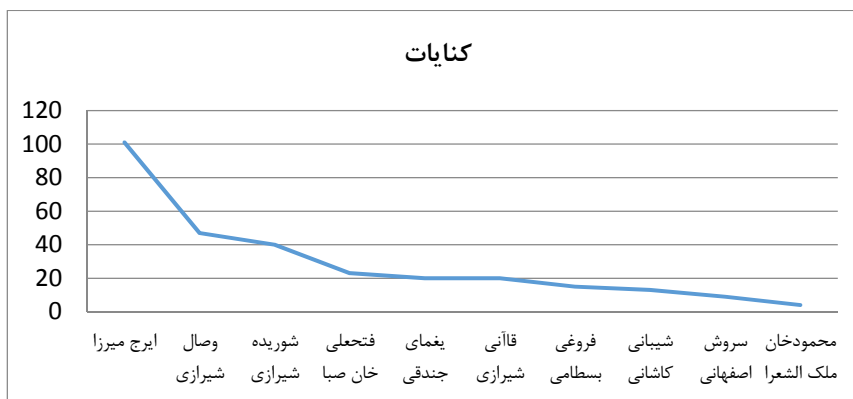
^۱ - دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (z.esfand99@gmail.com)

^۲ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی (Khatami@sbu.oc.ir)

۱- مقدمه

تحلیل و بررسی اصطلاح عامیانه و کنایات در شعر دوره قاجار موضوع پایان نامه ای است که این مقاله برگرفته از آن است. با مطالعه دقیق دواوین شعری با حدود تقریبی ۱۴۱،۸۷۶ بیت در ده دیوان (فتحعلی خان صبا، ۱۶،۵۵۸ بیت، وصال شیرازی حدود ۳۰،۰۰۰ هزار بیت، قائنی شیرازی حدود ۱۷،۰۰۰ هزار بیت، فروغی بسطامی حدود ۵۰۰۰ هزار بیت، یغمای جندقی حدود ۹۰۶۸ هزار بیت، سروش حدود ۲۴،۰۰۰ هزار بیت، ایرج میرزا، حدود ۴۰۰۰ هزار بیت، شیبانی حدود ۲۰،۰۰۰ هزار بیت و محمودخان ۲۲۵۰ هزار بیت، شوریده شیرازی حدود ۱۴،۰۰۰ هزار بیت). لازم به یادآوری است اصطلاحات رکیک این متون از آمار پژوهش حذف شده است که در پایان با حذف آن اصطلاحات، اصطلاحات و کنایات روزمره و معمولی مؤدبانه به ۲۹۷۰ رسید. بدون شک دیوان ایرج میرزا، نمودار عالی واژگان شعر فولکلوریک در اواخر دوره قاجار و اوایل مشروطیت است. پس عجیب نیست اگر انبوهی از اصطلاحات عوام و کنایات را از زبان او بشنویم. به جرأت میتوان گفت در دیوان ایرج میرزا به بیت یا اشعاری بر نمیخوریم که چندین مورد از موارد مذکور را در خود نگنجانده باشد. نمودار زیر بهترین مصداق از گفته فوق است.





اصطلاح عامیانه: به الفاظ و ترکیبات و واژگانی اطلاق میشود که با لحن و بیان عامیانه و روزمره ادا میشود. به گونه‌ای که با زبان ادبی و معیار متفاوت است. و اکثراً کاربرد این کلمات و ترکیبات عامیانه زبان محاوره‌ای مردم نیمه فرهیخته که بی‌قیدوبند سخن می‌گویند و الفاظی بر زبان می‌آورند که مردم فرهیخته از ادای آنها در محافل رسمی، به شدت احتراز میکنند.

کنایه: «کنایه هم در واقع نوعی مجازست الا اینکه ایهام دارد و این ایهام آن را وسیله کرده است برای بیان آنگونه سخنان که بی پرده گفتنشان دشواری دارد یا خطر ... باری کنایه - در غزل، در تقاضا، در انتقاد، و در هجو- خدمت بسیار به شاعران میکند و بسی که آنها را از ارتکاب خطرها- آنجا که گفتن حقیقت سخت است- میرهاند. به علاوه چاشنی ملاحظت و لطف خاص هم به کلام میبخشد. (زرین کوب، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب: ۷۴).

۲- پیشینه تحقیق

درباره سبک‌شناسی شعر دوره قاجار نیز، کارهایی انجام شده است که از آن جمله، سبک شعر در عصر قاجاریه از نصرت تجربه کار و شعر در عصر قاجار از حمیدی شیرازی. درباره فرهنگ عامه نیز آثاری منتشر شده است. محمدجعفر محبوب با تدوین کتاب ادبیات عامیانه ایران، جمالزاده با تدوین کتاب فرهنگ لغات عامیانه، صادق هدایت با نیرنگستان و لغات مصطلحه عوام به اهتمام احمد مجاهد و دیگر فرهنگ عوام امیر قلی امینی و نیز فرهنگ عامیانه، امثال، لغات و مصطلحات تألیف یوسف رحمتی، فرهنگ لغات زبان مخفی از دکتر مهدی سمائی، محمود کتیرایی با تدوین کتاب از خشت تا خشت و محققان دیگر مانند شادروان انجوی شیرازی، علی بلوک باشی، احمد شاملو، احمد و کیلیان، علی‌اشرف صادقی، ... با تدوین کتابها و نگارش مقالات به این موضوع پرداخته‌اند.

مقاله حاضر سعی دارد به سؤالی‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- اصطلاحات عامیانه تا چه میزان در شعر دوره قاجار راه یافته است؟ ۲- بسامد اصطلاحات عامیانه در شعر ایرج میرزا تا چه میزان است؟ ۳- بسامد کنایه در شعر ایرج میرزا تا چه حد است؟ ۴- چه نوع اصطلاحات عامیانه و کنایه‌هایی را میتوان در شعر ایرج میرزا یافت؟

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار از نوع تحلیلی - توصیفی است. برای این منظور منابع مرتبط با موضوع شناسایی و مورد مطالعه و یادداشت‌برداری قرار گرفت. نیز کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع خواننده و مورد بازبینی قرار گرفت. سپس ابیات و مفاهیم مورد نظر مرتبط با عنوان پایان‌نامه فیش‌برداری شد. و در ادامه طبقه‌بندی و تنظیم گردید و ضمن درج شماره‌صفحه هر اثر، به بررسی و تحلیل دستیافته‌ها پرداخته است.

۴- اصطلاحات عامیانه

بطور کلی موضوع اصطلاحات عامیانه و کنایات در شعر دیوان ایرج میرزا از جهات گوناگونی قابل بحث و واری است. که هر کدام مجال جداگانه ای میطلبد در اینجا بیشتر مقوله اصطلاحات عامیانه و کنایات و انواع آنها مورد نظر است. بنابراین موضوعاتی که به یاری اصطلاحات و ترکیبات عامیانه و کنایات در این اثر آمده است قابل بحث و واری است. میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۴- اصطلاحات عامیانه مرتبط با موضوعات اخلاقی، اجتماعی (اخلاقی، انتقادی)

بخش عمده ای از اشعار ایرج میرزا به اصول اخلاقی و انتقادی اختصاص یافته است. زیرا او به مانند دیگر شاعران برجسته ادب فارسی به اهمیت موضوع و ارزش آن کاملاً واقف است. گرچه او مصلح اجتماعی نیست. اما به مثابه یک جامعه‌شناس و روانشناس با دیدی متبحرانه و واقع‌گرایانه به جامعه غرق در فساد اخلاقی و خواب‌آلودگی سیاسی خود مینگرد و به قضاوت عادلانه ای بر میخیزد. به همین سبب بخش عمده ای از اشعار خود را بر مسائل اخلاقی و اعتقادی و آداب و رسم جامعه متمرکز کرده است. و اصلاً ایرج میرزا به عمد خواسته که به جامعه خود و خلیقات مردمش ایراد گیرد. و گویی اصلاً معتقد به حذف و سانسور نیست. و گرچه همه میدانند ایرج میرزا شعرهایی دارد که از نظر اخلاقی میتوان به آنها عیب گرفت ولی بهتر آن است که این اشعار بکلی نادیده گرفته نشود جهت نمونه به پنج تا از اصطلاحات عامیانه اخلاقی (از دیدگاهی غیر اخلاقی) ایرج میرزا اشاره میشود:

همراه یکیشان پسری بود که گفتی
چشمانش طلب میکند ارث پدر از من
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۹۶/ب۴)

ترباک مفت دیدم، هی بستم و کشیدم
غافل که صبح آن شب آید مرا چه به سر
(همان، ۱۸۷/ب۱۳)

چو دیدم خیر، بند لیفه سُستست
به دل گفتم که کار ما دُرُستست
(همان: ۸۲/ب۱۱)

تو این آخوند و ملّا آفریدی
تو توی پُرت ما مردم دویدی
(همان: ۸۵/ب۳)

تو این کرم سیاست چیست داری
چرا پا بر دم افعی گذاری
(همان: ۹۳/ب۱۱)

مقتضی است در این زمینه به بیان خلاصه‌ای از نمونه های دیگر اصطلاحات عامیانه اخلاقی از ایرج میرزا اکتفا کنیم.

آشتی کردن (۳۸)/ آقایی کردن (۵۱)/ آه در بساط نداشتن (۱۹۲)/ المأمور معذور (۱۵۵)/
ایاب و ذهاب (۱۷۲)/ بر زنده کفن پوشیدن (۷۶)/ به خون کسی تشنه بودن (۱۵۸)/ به روی
کسی نیاوردن (۲۳) چپک کشیدن (۳۸)/ چه آوردن به سر و روز کسی (۱۸۷)/ چه بر سر
کسی گذاشتن (۵۸)/ چندش (۱۰۱)/ حال کسی را پرسیدن (۹۰)/ حقّه باز (۹۳)/ خانه تکانی
(۱۰۹)/ خرج زیاد داشتن (۱۲۳)/ خلف وعده (۲۰۹)/ داغ دیده (۵۶)/ دخل کسی را زدن
(۲۱۴)/ دشت کردن (۲۱۴)/ دخل (۱۴۱)/ دقّ کردن (۱۰۸)/ دل کسی کباب بودن (۱۷۹)/
دور، دور کسی بودن (۷۰)/ دوز و کلک (۱۲)/ راپورت دادن (۱۰۹)/ رشوه (۹۶)/ رک گویی
(۲۱۳)/ زاغ سیاه کسی را چوب زدن (۱۰۶)/ زنا کردن (۸۵)/ سلام رساندن به (کسی) (۹۰)/
سوزاک (۲۸)/ سیاه پوش (۱۷۷)/ سیلی خوردن (۱۲۹)/ سینه چاک (۶۷)/ شلم شوربا (۱۲۲)/
شهر فرنگ (۲۱۴)/ طلاق گرفتن (۱۱۲)/ عرصه را تنگ کردن به کسی (۹۹)/ قرض دادن
(۱۰۳)/ قنیز (۱۴۰)/ کار کسی بالا گرفتن (۸)/ کج افتادن (با کسی) (۲۲۳)/ کلاشی (۲۱۴)/
کیف چیزی را کردن (۱۱۵)/ گِل گرفتن در جایی را (۲۱۵)/ گیر کسی (با: چیزی) افتادن
(۸۱)/ وردارورمال (توسعاً حقّه باز) (۷۶)/ ولوله شدن (۱۵۰).....الخ

۲-۴- اصطلاحات عامیانه مرتبط با اعضا و جوارح بدن در دیوان ایرج میرزا

ایرج میرزا اغلب از استعاره شعر مبتنی بر اندامهای بدنی استفاده کرده است. پس بکارگیری اصطلاحات عامیانه ای که با اعضا و اندامهای بدن ارتباط دارد در دیوان او آنقدر چشمگیر بوده، که به جرأت میتوان گفت که بسامد این دسته از واژگان، بعد از واژگان اخلاقی و اجتماعی، نسبت به بقیه موارد در دیوان ایرج در نظر تیزبین و زیباپسند او به گونه ای اعجاب انگیز در سخن وی تبلور یافته است چشم و دست و یا زبان و گوش و قلب و در شعر وی جایگاه ویژه ای یافته اند. زیرا ایرج نه تنها به بعد جسمانی و فیزیکی اندام ظاهری توجه دارد. بلکه با همین اندامهای بدنی، به خلق زیباترین ترکیباتی چون، (پا را از گلیم خود درازتر کردن، چشم انتظاری، چشم به راه بودن، دست به سینه و) یعنی تنها جمال شناسی اندام مدّ نظر او نیست بلکه در همین اندام ظاهری به خلق زیباترین ترکیباتی که خود معانی ژرف و عمیقی در بر دارد دست می‌یازد.

من هم اندر راه عشق گل رخان
چون فراوان خرد کردم استخوان
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۳۶/ب۸)

تا آن که به پهلویت نشینند
چرکِ گل و گوشِ تو نبینند
(همان، ۱۳۷/ب۶)

خر خود را لگدی چند زخم بر پک و پوز
به خر او چو رسم نازش کنم و تیمار کنم
(همان، ۴۰/ب۱۱)

که باشد این مَثَل منظور هر کس
زبانِ خَر خَلَج می داند و بس
(همان، ۱۵۵/ب۸)

من چنان فهمیده‌ام از طرز آن
که نخواهد رفت مو بر درز آن
(همان، ۱۳۴/ب۱۳)

نیز از جمله اصطلاحات عامیانه مرتبط با اعضا و جوارح بدن در دیوان ایرج میرزا است: انگشت به بینی کردن (۱۳۷)/ با همان پا که آمدی برگرد! (۲۰۴)/ باد افتادن به بینی (۱۸۰)/ بدن کسی را خاراندن (۲۳)/ به موی بسته و بند بودن چیزی (۲۱)/ بینی قلمی (۱۰۲)/ پا تو کفش کسی کردن (۸۵)/ پا را از گلیم خود دراز کردن (۷۱)/ پای خود را روی سر کسی

گذاشتن (۴۷)/ پر و پا دار (۳۹)/ یک و پز (۱۴۰)/ چشم زخم (۱۹)/ دست به شلاق کردن (۱۴۸)/ دماغ (۱۸۰)/ ریش کسی تا کمر رسیدن (۱۱۰)/ سر شکسته (۲۳)/ مغز خر خوردن (۸۵)/ نبض کسی از حرکت ایستادن (۱۲۸)/ نفس از دهان نیاوردن (۱۴۴)/ به گردن داشتن (۱۵۳).....الخ

۳-۴- اصطلاحات مرتبط با سوگند و دعا و نفرین و دشنام (تهدید و تحقیر)

همه جوامع بشری از دیرباز هم دعا دارند و هم نفرین و هم دشنام. البته نوع دعا و نفرین شایع در جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت است. در شعر شاعرانی بی پروا و جسور چون ایرج میرزا این الفاظ به قصد توهین و سرکوب فرد یا اجتماع به کار می‌رود.

کیست جز من که اگر شهر یراز خوشگل بود
او همان شخص تو را خواهد الا الله
(ایرج میرزا، محبوب، ۵۱/ب ۵)

نبینی خیر از دنیا عَلائی
رسد از آسمان بر تو بلایی
(همان، ۱۵۵/ب ۱)

فرمانروای شرق که عمرش دراز باد
می خواست زحمتِ منِ درویش کم کند
(همان، ۱۷۹/ب ۱۷)

من به جز مدحتِ او مدحِ دگر خر نکنم
جز خرِ عیسی گورِ پدرِ هر چه خرست
(همان، ۱۶۶/ب ۸)

لیک حالا جز این نخواهم گفت
که ببرد مرده شو سَرای ترا
(همان، ۱۶۴/ب ۱)

۴-۴- اصطلاحات مرتبط با تعارفات و شوخی و مزاح ها و بازیهای عامیانه

یکی از مشترکات تمام فرهنگها الگوهای آداب معاشرت است که در شعر ایرج میرزا به ویژه در قطعه معروف «تعارف» با ردیف "رم میکنند" با دیدی انتقادی به تعارفات عجیب و غریب مرسوم در جوامع خود میتازد. نمونه های دیگر:

سیماجت کردم و اصرار کردم
بفرماید را تکرار کردم
(ایرج میرزا، محبوب، ۸۰/ب ۴)

پیش تو میرم پروانه صفت پیش چراغ
دور تو گردهم چون هاله که بر دورِ قمر
(همان، ۲۳ / ۱۹)

گرچه در پنج زبان افصحِ ناسم دانند
ورچه و شادی کن و بشکن بزن
به علی من کَرتم شیوه گفتار کنم
گل بکن از شاخه و برمن بزن
(همان، ۱۰۵ / ۱۱)

گاه بیاروی و زمانی به زیر
گاه بده گولی و گولی بگیری
(همان، ۱۰۴ / ۱۸)

سایر نمونه‌ها: نشگان گرفتن (۱۰۵) / نوش جان (۶۵) / ورچه و ورچه (۱۰۳).

۴-۵- اصطلاحات مرتبط با خوراکیها و مسائل پزشکی:

گاهی کاربرد خوراکیها در اشعار ایرج به چشم میخورد. و او در کاربرد این واژه‌ها برای بیان مقاصدش هیچ ابایی ندارد.

سروته بسته چون در کوچه آبی
تو خانم جان نه، بادنجان مایی
(همان، ۸۳ / ۲۳)

چو نیمی از شب بگذشت سفره آوردند
که اندر آن خورش قیمه بود و ته‌چین بود
(همان، ۱۵ / ۱۸)

پیش روی تو نهم خوبترین لقمه چرب
زیر بال تو کشم نرمترین بالش پر
(همان، ۲۳ / ۱۵)

لاس با زنها در کوچه و بازار زنم
نقل خود نُقل سر کوچه و بازار کنم
(همان، ۳۸ / ۱۷)

غم مَلت ز بس خوردند مُردند
ورم کردند از بس غصه خوردند
(همان، ۹۶ / ۵)

دیگر نمونه‌های این مدخل عبارتند از: آجیل (۸۱) / بادنجان (۸۳) / بی نمک (۱۰۱) / پالوده (۵۱) / پرتغال (۱۴) / پشمک (۱۷) / پلو (۸۲) / ترد (۱۷) / تریاک (۱۰۴) / ته چین (۱۵) / جگرک

(۳۸) / چلوبی (۳۸) / حلوا (۸۲) / خوراکی (۱۵) / شیر و شکر (۵۷) / شوری (۵۴) / لقمه چرب (۲۳) / نارنگی (۱۴) / نان (۶۸) / نان سنگک (۱۷) / چلوبی (۳۸) / خورش قیমে (۱۰۳).

۶-۴- اصطلاحات مرتبط با پوشش و البسه

بطور کلی موضوع پوشاک و لباس در دیوان ایرج میرزا در مقایسه با سایر موضوعات چون اخلاقی و اجتماعی و یا اعضاء و جوارح بدن متنوع و چشمگیر نیست و از مجموع تقریبی دیوان که افزون بر ۴۵۰۰ بیت میشود و نزدیک به ۱۳ بیت را در خود جای داده است. مانند:

زنان را عصمت و عفت ضرور است نه چادر لازم و نه چاقچور است
(ایرج میرزا، محبوب، ۷۹ / ب ۱۰)

گر نرسد بر دگنک دست او دست به نعلین و چسک میزند
(همان، ۱۲ / ب ۸)

زن رفته کلژ دیده فاگولته اگر آید به پیش تو دگولته
(همان، ۸۳ / ب ۱۴)

زیرشلواری و پیراهن و شلوار ترا شسته و رفته و تا کرده بیارمت به بر
(همان، ۲۳ / ب ۲۴)

سایر اصطلاحات مرتبط با پوشش و البسه: بقچه (۸۳) / پاچین (۱۵) / دامن کوتاه / پالان (۳۹) / پوتین (۸۴) / چادر نماز (۸۳) / روبنده (۸۱) / جل (۱۲) / مخمل (۳۹) / ملکی (۳۹).

۷-۴- اصطلاحات عامیانه مرتبط با امثال

ضرب المثلها در میان مردم از دیر باز بوده است و با مردم پیوند ناگسستنی دارد و همواره در ادبیات عامه و فولکور نقش مؤثر و چشمگیری داشته است. و از شالوده های اصلی آن به شمار می آید. در دیوان ایرج میرزا نیز با نمونه هایی زیبا از این امثال بر میخوریم بقدری بجا امثال سائر را استعمال میکند که نظر هر خواننده ای را به خود معطوف میکند. مانند:

تعقیب نموده و گرفتند دزد نگرفته پادشاه است
(ایرج میرزا، محبوب، ۱۶۹)

نباید برد اسـم از رسم و آیین به گوشِ خـر نباید خواند یاسین
(همان: ۹۴/ب ۲۱)

نکته در خور توجه اینکه محبوب در صفحات پایانی دیوان ۳۰۷ تا ۳۱۱ به فهرستی از ضرب‌المثلها، تمثیلهای اشاره نموده اند اما در این تحقیق هدف بیشتر معطوف بر مثلهای مرتبط با اصطلاحات عامیانه بوده است که بار معنایی و مفهومی عامیانه تر در خود گنجانده است.

نمونه‌های دیگر اصطلاحات عامیانه مرتبط با امثال در دیوان ایرج میرزا: باد بر باشد که بود بادآور (۲۲)/ شاگرد تا نباشی کی شوی استاد (۱۰)/ کاه و کاهدان از کسی بودن (۸۷)/ گ.. چه کار به شقیقه دارد؟ (۸۴)/ دایه نگرده مادر (۲۴)/ ریش عمر کم کم در آمدن (۷۷)/ از کار کار پدید آمدن (۱۸)/ نعل بر (یا در) آتش داشتن (۸۵)/ سنگی بکن و به چه در اندازد (۱۴۹).

۸-۴- اصطلاحات عامیانه مرتبط با ابزار و اثاث و کسبه و بازار:

ابزار و اثاث زندگی جزء لاینفک ضروریات زندگی روزمره انسانها در ادوار مختلف بشر بوده است. اما کاربرد عامیانه و صریح این ابزار در شعر برخی شاعران نوعی تنزل محسوب میشد و در حالی که در شعر شاعرانی چون ایرج میرزا با آن دید وسیع محاوره‌ای و مردمی در برخی جاها برای پیشبرد هدف خود تأثیر گذار است. مثلاً در این ابیات زیبا:

چه کنم؟ مرکزیان رَشوهِ خورند همگی کاسه‌بَر و کیسه‌بُرند
(ایرج میرزا، محبوب، ۱۲۲/ب ۲۱)

مـرغِ ناپُخته زِ دُوری بُردن رویِ نانِ هِشـتَن و فـوری خوردن
(همان، ۱۲۱/ب ۱۵)

حجـةُ اِلاسلام کتک میزند بر سر و مغزت دگـنگ میزند
(همان، ۱۱۲/ب ۷)

نیز از دیگر نمونه‌های ابزار و اثاث در شعر ایرج میرزا: الک (۱۲)/ بالش پر (۲۳)/ بقال (۸۵)/ تشک (۳۹)/ تومان (۹)/ چاقو (۲۴)/ چای خوری (۳۸)/ چدن (۱۲۶)/ دگنگ (۱۲)/ دنبک (۲۰۰)/ دنگ (۳۲)/ دوری (۱۲۱)/ شانه (۲۴)/ صندلی فنر دارد (۲۴)/ قلم تراش

(۱۸۶)/ قوطی سیگار (۱۹۶)/ کاسه برد (۱۲۲)/ کتل متل (۲۰۲)/ گاری (۱۲۵)/ ورق (۱۹۶)/ وافور (۹۶)/ سیخ کباب (۱۱۶)/ کافه (۳۸).

۹-۴- اصطلاحات مرتبط با مسائل مذهبی:

ایرج میرزا مسائل مذهبی را به صورت محدود نسبت به بقیه موضوعات به کار برده است. وی بارها به خرافات و بدعت‌های دینی، با رک گویی تمام تاخته. مثلاً در قطعه « در دسته شاه حسین بنگر» از قمه زنی انتقاد میکند. او قطعه زیبایی در جاه و جلال علی (ع) و نیز مدح او و شعر زیبایی درباره امام حسین دارد:

وزیرِ خمسه اگر وجهِ قبضِ من ندهد به حقّ خمسه آلِ عبا که بد کردست
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۶۸/ب۶)

گرچه در پنج زبان افصح ناسم دانند به علی من کَرْتَم شیوه گفتار کنم
(همان، ۲۸/ب۲۰)

و: بسم الله گفتن (۱۸۳).

۱۰-۴- اصطلاحات عامیانه مرتبط با اصوات:

بی تردید صدا معنایی از عناصر زنده و صمیمی زبان بوده است و همواره بسامدی چشمگیر در جریان شعر گفتاری داشته است که در شعر ایرج میرزا نیز با نام آواهای چون، آه، آخ، هورا و با تأثیر مفاهیم عاطفی شعر بر میخوریم مانند این بیت:

آه دستِ پسرَم یافت خراش آخ پایِ پسرَم خورد به سنگ
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۹۲/ب۱۷)

دوری و بیمِ زگی باز چرا من که مُردم ز فراقِ دِ بیا
(همان: ۱۲۰/ب۱۵)

چه لوطیها در این شهرند واه واه! خدایا دور کن الله الله
(همان، ۸۰/ب۲۵)

نمونه های دیگر: آه (۱۹۲)/ قاه قاه (۱۷۴)/ کیش کردن (۹۶)/ هورا (۱۶۵)/ هی (۹۰)/ واه (۸۰)/ وه (۲۰۴)/ عو عو (۱۴)/ حیف (۳۲)/ حیف چیزی یا کسی بودن (۱۰۰).

۱۱-۴- اصطلاحات مرتبط با جانوران و گیاهان

اصطلاحات جانوران و گیاهان در دیوان ایرج جز در موارد محدودی کاربرد خاصی ندارد.
مانند:

گر ببری دست تَخَطّی به بَست تَرکه گُل می زنمت پشتِ دست
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۰۴ / ب ۲۰)

از تن مالیه مُلک بکن این کَنه را نیست در خارجه لَدَت سفرِ یک‌تنه را
(همان، ۲۱۶ / ب ۱۵)

نمونه‌ها: لولو (۸۴) / یابو (نوعی اسب) (۱۴۸).

۱۲-۴- اصطلاحات قاموسی و اصطلاحات شکسته و ابداعی

منظور از اصطلاحات عامیانه قاموسی، اصطلاحاتی است که در فرهنگ لغت وجود دارد و این نوع ترکیبات و اصطلاحات به علت استعمال بیش از حد خیلی خیال‌انگیز نیستند. مانند حدّ و حساب، «خم در خم»، خواه ناخواه، ساعت به ساعت و ... هر چند این اصطلاحات همواره بیشترین میزان کاربرد در شعر کلاسیک و سنتی و معاصر و نو را دارد. بنابراین شگفت نیست که در شعر ایرج نیز با بسامد نسبتاً قابل توجهی از این اصطلاحات مواجهیم. اما به جرأت میتوان گفت که ایرج در بیان این تعبیرات نیز به خوبی از عهده برآمده است. لازم به یادآوری است که کاربرد اصطلاحات عامیانه ابداعی و شکسته در شعر ایرج بسیار اندک است.
مانند:

قافیه هر چند غلط میشود بابِ ل...ط است پدر سوخته
(ایرج میرزا، محجوب، ۲۰۲ / ب ۶)

تریاک مفت دیدم، هی بستم و کشیدم غافل که صبح آن شب آید مرا چه به‌سر
(همان، ۱۸۷ / ب ۱۳)

مکرر گفتمش با مدّ و تشدید که ...ه خوردم، غلط کردم، ببخشید!
(همان، ۸۱ / ب ۲۴)

شکسته مانند:

مادرم زنده نباشد که بگویم شو کرد / باز حق در سرِ پیروی پدری داده مرا
(همان، ۳/ ۱۰ ب)

گفت ای موشِ لوسِ یک قازی / با دُمِ شیر می کنی بازی
(همان، ۱۴۶/ ۱ ب)

آفتابی شدن (۳۲) / اصلاً (۱۶) / اطوار (۸۵) / بی جا (۵۰) / بی جهت (۵۰) / پخ (مسطح و کم عمق) (۸۸) / پشکل (۷۹) / جد اندر جد (۱۸) / جور و جور (۱۳۵) / دم به دم (۱۳۰) / رتق و فتق (۲۶) / زفت (۳۱) / سبز شدن، (ابداعی) (۲۲۴) / سرخ و سفید (۱۸۹) / غاز (مترادف: پاپاسی، پشپیز (۲۰۹) / فابریک (۱۲۶) / قشون (۸۷) / مستراح (۱۸۷) / کلوپ (۲۱) نیز از جمله اصطلاحات عامیانه قاموسی به کار رفته در اشعار ایرج میرزا میباشد....

۱۳-۴- اصطلاحات عامیانه مرتبط با القاب و عناوین

اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر ایرج میرزا موجب شده که به شگردی دست زند و نتیجه آن کاربرد عامیانه القاب و عناوین با بار معنایی تمسخر، ناپسند و فحش آلود باشد. نمونه‌ای از ابیات شعر ایرج در بکارگیری القاب:

که یا رب بچه بازی خود چه کار است / که بر وی عارف و عامی دُچار است
(ایرج میرزا، محجوب، ۷۸/ ۱۰ ب)

نمی‌دانی که ایـرانی چه چیز است / نمی‌دانی چه قدر این جنس حیز است
(همان: ۹۴/ ۲ ب)

نیز:

من از ابناء ملوکم، نتوانم که سلوک / با پسرِ مشدیِ ولگردِ ولنگار کنم
(همان، ۳۸/ ۸ ب)

۱۴-۴- اصطلاحات عامیانه مرتبط با واژگان رکیک و اوروتیک

زشت نگاری و مستهجن نویسی از قدیم در ادبیات فارسی رواج داشته است... از شاعران قدیم سوزنی سمرقندی و از شاعران جدید ایرج میرزا در این زمینه مشهورند» (شمیسا، انواع ادبی: ۲۳۹).

در شعر ایرج هجویات رکیک فراوان به چشم می‌خورد. نمونه بارز چنین تفکری را در میان سروده‌های ایرج در مثنوی عارف می‌بینیم. جایی که می‌گوید:

۵- کنایات عامیانه در شعر ایرج میرزا (کنایه‌های مردمی)

«پیشینه کنایه‌هایی که در ادب به کار برده می‌شود، از زبان مردم ستانده شده است؛ و پدیدآوران این کنایه‌ها مردمان بوده‌اند، نه سخنوران. کنایه‌های مردمی بیشتر از گونه رمز و ایمانند. اینگونه کنایه‌ها که سخنوران از زبان مردم به وام گرفته‌اند و در سروده‌های خویش به کار برده‌اند، کنایه‌هایی‌اند که هنجارهای زیستی، باورها و رسم و راهها و ویژگیهای مردمی دیگری را باز می‌تابند؛ با در خود نهفته میدادند» (کزازی، بیان: ۱۷۲)

ایرج در کنار کنایه‌های شاعرانه که تراویده ذهن اوست نیز مهارت دارد. که پاره‌ای از این کنایه‌ها از رفتارهای آدمی و واکنشهای او در برابر رویدادها حکایت دارد.

کنایه‌های عامیانه در شعر ایرج انواعی دارند: اخلاقی و اجتماعی، نفرینها و دشنامها، تعارفات و دعاها و القاب و عناوین و اعضا و جوارح، مزاحها و شوخیها و کنایه‌های رکیک و... و این کنایات عامیانه به قدری خوب در شعر وی جا افتاده که این خود دال بر توانایی و چیره دستی ایرج حکایت دارد. زیرا او به واقع به وارد کردن فولکور در شعر خود معتقد است. بنابراین در مقوله کنایات عامیانه نیز همچون اصطلاحات عامیانه فراتر از احساسات شخصی افکار خویش را با درک والای اجتماعی آمیخته است. بنابراین شگفت نیست که با بسامد در خور توجهی از این کنایات مواجهیم. که در ذیل جهت تبیین موضوع به صورت فهرست وار با ذکر شاهد مثال اشاره کرده ایم.

۵-۱- کنایات مرتبط با مسائل اجتماعی و اخلاقی در دیوان ایرج

چشم چو بگشود در آن دامنه دید که جا تر بود و بچّه نه
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۱۸/ب/۱۷)

تو می خواهی بگویی دیرجوشی به من هم هیـزم تر می فروشی
(همان، ۷۶/ب/۱۶)

فَدِّ او نیست جز چهار وَجَب نصف او گشته در زمین پنهان
(همان، ۱۹۵/ب/۲)

آبرو گذاشتن (۳۸) / آب و آم چیزی بودن (۶) / از در و دیوار باریدن (۱۰۲) / اسم کسی یا چیزی را با طهارت بردن (۹۵) / با دم شیر بازی کردن (۱۴۶) / بوی خون آمدن از چیزی (۱۷۰) / بی پول شدن (۲۳) / تیری به تاریکی خوردن (۸۵) / جلب کردن (۱۰۹) / حال سبابه اشخاص پشیمان داشتن (۷۰) / خون به دل کسی کردن (۹۳) / دل کسی برای کسی (چیزی) لک زدن (۱۳) / دل کسی ریش شدن (۱۲۳) / دود و دم (۱۹۳) / طلبکار (۳۹) / قافیه بر کسی تنگ شدن (۶۸) / کار را بالا گرفتن (۱۴۵) / کثافت کاری (۹۵) / کلک سوار کردن (۱۸۲) / بازی دادن (۸۱) / نور علی نور (۲۲).... نیز از جمله کنایات اخلاقی، اجتماعی، انتقادی به کار رفته در اشعار ایرج میرزا می باشد.

۲-۵- کنایات مرتبط با اعضاء و جوارح بدن

از چه دستی سحر بلند شدی که تفقُّد به بینوا کردی
(ایرج میرزا، محجوب، ۲۰۴ / ۱۲)

بعد که ریش تو رسد تا کمر با تو کسی عشق نورزد دگر
(همان: ۱۱۰ / ۱۲)

حسن تو بسته به مویی است ز من رنجه مشو که ز روز بد تو بر تو شدم یادآور
(همان: ۲۱ / ۲)

از چشم کسی دیدن (۸۴) / از دست کسی ساخته بودن (۸۵) / از نک سر تا نک پا (۱۰۱) / باد در سر داشتن (۱۵۱)، به گردن داشتن (۱۵۳) / پا را از گلیم خود درازتر کردن (بیرون کردن) (۷۱) / پشت پا زدن به کسی (۹۱) / پوست کسی را کندن (۱۴۱) / جنس دو پا (۶۷) / چشم انتظاری (۱۳۳) / چشم بد به کسی رسیدن (۲۸) / چشم بسته (۸۵) / چشم به راه بودن (۷) / دست از چیزی کشیدن (۹۹) / دست از سر کسی برداشتن (۸۵) / ریش بر کندن (۲۰۲) / ریش و سبیل نداشتن (۱۴۴) / سبیل تاب دادن (۱۴۰) / سر کسی به سنگ خوردن (۱۲۹)، کمر به چیزی یا کاری بستن (۸۷).

۳-۵- کنایات مرتبط با القاب و عناوین

گر شعر دگر کلان جَفَنگ است شعر تو کچل کلاچه آجَفَنگ
(ایرج میرزا، محجوب، ۳۱ / ۱۳)

تو می خواهی بگویی دیرجوشی به من هم هیزم تر میفروشی
(همان: ۷۶ / ب ۱۶)
سایر نمونه ها: بچه گدا (۱۴۴) / بدقول (۱۳۳) / بی عرضه (۱۸۶) / پالوده فروش (۵۱) /
پیشخدمت (۱۲۴) / جاکش (۱۲۲) / جن گیر (۱۷۳) / چاکر (۵۱) / فکلی (۱۲) / قُلدر (۳۷) /
قهوه چی (۳۹) / کدبانو (۲۴) / کُلَفَت (۱۵۵) / لوطی (۸۰) / لیدری (۲۲۴) / مادمازل (۱۴) /
مت (مترس، معشوقه) (۷۸) / مُسیو (۸۵) / مشدی / مِشتی (۳۷) / مَقَرَنگ: فرنگی مآب (۱۵۸) /
مُلا (۸۵) / مُلایی (۱۲۱) / منتر (۸۴).

۴-۵- کنایات مرتبط با دشنام و ناسزا و رکیک

گهی ساید سر انسان به مریخ گهی در مق...د انسان کند میخ
(ایرج میرزا، محجوب، ۸۹ / ب ۲)
برو عارف که مَهر از تو بُردم به ریش هر چه قروینی است ر...دم
(همان: ۹۳ / ب ۲)

چرا یک ذره در چشمت حیا نیست به سختی مثل رویت سنگ پا نیست
(همان: ۸۱ / ب ۱۱)
سایر نمونه ها: بیضه چاق شدن (۱۵۲) / پدر سوخته (۲۰۱) / پررو (۸۱) / خاک بر سر (۲۰۳) /
گم شدن (۸۱) / خاک بر دهنم (۴۲)....

۵-۵- کنایات مرتبط با شوخیهای عامیانه

ماشاءالله رفتَه رفتَه خطّت شده مثل خطّ خرچنگ
(ایرج میرزا، محجوب، ۳۱ / ب ۱۴)
تو بینی آن پسر شوخست و سنگست برای عشق ورزیدن قشنگست
(همان، ۷۸ / ب ۱۷)

کنایات مرتبط با شوخیها و تعارفات و بازیهای عامیانه: آفتاب از کدام طرف دمیده (یا در
آمده)؟ (۲۴) / از تو چه پوشیده (۱۲) / از روی چه دستی (دنده ای) بلند شدن (۲۰۴) / از
شما چه پنهان (۱۷۱) / الک و دولک (۱۲) / بزرگ (و) دوزک (۹۲) / بشکن زدن (۱۰۵) / بنده
ناچیز (۲۲۴) / جفت و لگد زدن (۱۸۰) / حال آمدن (۱۲۲) / داش غُلم (۲۱۳) / دردت به جانم

(۱۹۷)/ دستبوس (۲۲۰)/ شنگول (۹۶)/ طاق و جفت بازی (۸۴)/ فدا شدن برای کسی (۸۴)/
قربان کسی (یا چیزی) رفتن (۸۳)/ قلقلک کردن (۱۰۵)/ لگد انداختن (۱۴۸)/ خود را لوس
کردن (۸۹)/ خش و فش (۷۹)....

۶-۵- کنایات مرتبط با سوگند و دعا و نفرین و دشنام:

گر شوی از من به یکی بوسه سیر خیز، علی الله، بیا و بگیر
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۱۷/ب ۷)

تو را من جان عارف دوست دارم دعاگوی توام تا زنده باشم
(همان، ۹۳/ب ۸)

الا (و) بَلَا / آلا (و) الله (۵۱) / احمق خر (۱۲۲) / اکبیری (۱۳۶) / الله اکبر (۸۱) / الهی (۸۱)،
به التماس افتادن (۱۴۶) / به جهنم رفتن (۸۱) / به درک رفتن (۱۲) / پدرسگ (۱۵۵) / پدر
سوخته (۲۰۱) / تف به روی ... (بیاید!) / تو بمیری (۲۲۳) / قسم به جان ... (مترادف: مرگ)
(۱۳۳) / خدا مرگت (مرگش، ...) دهد (۲۹) / از جنس گاو و گوسفند بودن (۹۳) / خیر از عمر
و دنیا نبینی (۱۵۵) / خیر کسی را خواستن (۹۴)، قرم دنگ (۳۱) / گور پدر (بابایی) فلان
کس (هم کرده) (۶۶) / ماشاءالله (۳۱) / مرده شور بردن (۱۶۴) / محض رضای خدا (۱۹۷)....
نیز از جمله اصطلاحات عامیانه مرتبط با (سوگند و دعا و نفرین و دشنام) در اشعار ایرج
میرزا میباشد.

۷-۵- کنایات مرتبط با خوراکی

گویند فلفلش بگذارم به زیر دُم گر آرزو کنم که دُم خود علم کند
(ایرج میرزا، محجوب، ۱۸۰/ب ۲۲)

نمونه ها: شیره (۱۷۷) / شیرین زبان (۱۵۴) / مرغ ناپخته ز دوری بردن (۲۴) / نمک بر جگر
پاشیدن (۱۲) / همان آش و همان کاسه (۲۱۳).

۸-۵- کنایات مرتبط با اثاث منزل

اگر خواهی که کارت کار باشد همیشه دیگِ بختت بار باشد
(ایرج میرزا، محجوب، ۹۵/ب ۱)

تو دیگر طالبِ پرخاش مشو / کاسهٔ گرم‌تر از آس مشو
(همان، ۲۲۳/ب۵)

۹-۵- کنایات مرتبط با پوشش

کنون که آمده تا نصف شب نگاهش دار / زدست زود مده دامنش که دیر آمد
(ایرج میرزا، محجوب، ۶۷/ب۱۸)

۱۰-۵- کنایات قاموسی و ابداعی

کمالی را کمالات است بی حد / نداند لیک چای خوب از بد
(ایرج میرزا، محجوب، ۹۰/ب۱۸)

بیا عارف که ساقَت سُم در آرَد / میانِ لُنْبَرینت دُم در آرَد
(همان، ۸۸/ب۴)

الغرض بند زشلوار گرفت / ماده خَر را به دمِ کار گرفت
(همان، ۱۲۴/ب۸)

سالم و سرخ و سفید و چاق و گرد / با دو چشم چون ستاره نوربار
(همان: ۱۸۹/ب۴)

سایر اصطلاحات: کسی را به ریش آوردن (۷۶/بی جا (۵۰)/ رفیق پول بودن (۸۹)/رمق (۲۱۵).

۶- نتیجه‌گیری

در میان شاعران دوره قاجار، چندتن از کسانی که در رده پیشگامان رویکرد به فرهنگ عامه قرار گرفته‌اند را باید حساب آورد. شاعرانی که نه از روی تفنن، بلکه بخش مهمی از کوششهای فرهنگی خود را به مقوله فرهنگ عامه و به ویژه کاربرد اصطلاحات عامه اختصاص دادند. و بی‌تردید در این زمینه طرحی نو افکندند و تأثیری ژرف بر غنای فرهنگ عامه ایران به ویژه در دوره مشروطیت داشتند.

در شعر ایرج‌میرزا، شاعر توانای دوره قاجار نموده‌های آشکاری از اصطلاحات عامیانه و کنایات مشاهده میشود. که درصد بالایی را به خود اختصاص داده است. ایرج‌میرزا شاعری مردمی بود. و از به کارگیری کلمات پیش‌پا افتاده و معمول کوچه و بازار و تعبیرات عامیانه

هیچ ابایی نداشت. مخاطب‌شناسی او بی‌بدیل و برخوردار از سرمایه ارزشمند ادبیات فولکلوریک وی منشأ تحول عظیمی در شعر دوره قاجار و آغاز مشروطیت بود. و روی هم‌رفته افق تازه‌ای را فراروی شاعران مشروطیت و معاصر گشود. وی با ۹۲۷ اصطلاح عامیانه و کنایات در رتبه نخست قرار می‌گیرد.

بر اساس این بررسی جمع کل کاربرد ترکیبات عامیانه و کنایات در دیوان ایرج میرزا ۹۲۷ مورد است که رقم بسیار بالایی دارد. بدین ترتیب به طور کلی مجموعه اصطلاحات عامیانه در زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی از نظر مقام اول و اصطلاحات عامیانه و کنایات مرتبط با قاموسی ابداعی مقام دوم را از آن خود نموده‌اند و اصطلاحات عامیانه مذهبی در رده آخر قرار گرفته است. نکته قابل توجه اینجاست که هم‌نشین سازی اصطلاحات عامیانه و کنایات عامیانه و الفاظ کهن فارسی جزء صناعات زیبای ادبی شعر ایرج محسوب می‌شود این در حالی است که ایرج میرزا در کاربرد ترکیبات و اصطلاحات محاوره‌ای مربوط به مسائل اخلاقی و اجتماعی و انتقادی نسبت به دیگر موضوعات خود موفق‌تر بوده است.

جدول ۱- نمودار مقایسه‌ای درصد کاربرد اصطلاحات عامیانه در دیوان ایرج میرزا

ردیف	مضامین تربیتی	تعداد ابیات	درصد نسبت به کل اشعار
۱	اخلاقی	۲۳۳	۳۱/۰۶
۲	اعضا و جوارح	۹۴	۱۲/۵۳
۳	نفرین و دشنام و دعا	۵۷	۷/۶
۴	تعارف و شوخی و بازی‌ها	۳۷	۴/۹۳
۵	خوراکی‌ها	۲۶	۳/۴۶
۶	البسه و پوشش	۲۲	۲/۹۳
۷	امثال	۸	۱/۰۶
۸	ابزار و اثاث و بازار و کسبه	۳۶	۴/۸
۹	عناصر اربعه و اعداد	۹	۱/۲
۱۰	مسائل مذهبی	۴	۰/۵۳
۱۱	اصوات	۱۴	۱/۸۶
۱۲	جانوران و گیاهان	۷	۰/۹۳
۱۳	قاموسی ابداعی	۱۳۲	۱۷/۶
۱۴	لقاب	۶۱	۸/۱۳
۱۵	رکیک	۱۰	۱/۳۳
	جمع	۷۵۰	۱۰۰

جدول ۲- نمودار مقایسه‌ای درصد کاربرد کنایات در دیوان ایرج میرزا

ردیف	مضامین تربیتی	تعداد ابیات	درصد نسبت به کل اشعار
۱	اخلاقی	۷۲	۴۰/۶۷
۲	اعضا و جوارح	۵۵	۳۱/۰۷
۳	القاب و عناوین	۶	۳/۳۸
۴	دشنام و ناسزا	۷	۳/۹۵
۵	شوخی‌های عامیانه و تعارفات	۴	۳/۲۵
۶	دعاها	۳	۱/۶۹
۷	خوراکی	۸	۴/۵۱
۸	اثاث و ابزار منزل	۴	۲/۲۵
۹	پوشش	۱	۰/۵۶
۱۰	عناصر اربعه و اعداد	۷	۳/۹۵
۱۱	قاموسی + ابداعی	۱۰	۵/۶۴
	جمع	۱۷۷	۱۰۰

منابع و مأخذ

- ۱- از صبا تا نیما، آرین پور، یحیی، تهران: انتشارات زوآر
- ۲- انواع ادبی، شمیسا، سیروس، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴- دیوان ابونصر فتح الله خان شیبانی کاشانی، کرمی، احمد، تهران: ما. ۱۳۷۱.
- ۵- دیوان اشعار ملک الشعراء فتحعلی خان صبا، صبا، فتحعلی خان. محمد علی نجاتی، تهران، اقبال. ۱۳۴۱.
- ۶- دیوان حکیم قآنی شیرازی، با تصحیح و مقدمه به قلم محمد جعفر محجوب، چاپ موسوی. ۱۳۳۶.
- ۷- دیوان حکیم قآنی شیرازی، حکیم قآنی شیرازی، میرزا حبیب، بالتصحیح و مقدمه به قلم و ... ۱۳۳۶.
- ۸- دیوان سروش اصفهانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۹- دیوان کامل ایرج میرزا، به اهتمام محمد جعفر محجوب، تهران: اندیشه، ۱۳۵۳.
- ۱۰- شعری بی دروغ، شعر بی نقاب، زرین کوب، عبدالحسین، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۲.
- ۱۱- غزلیات فروغی بسطامی، فروغی بسطامی، به اهتمام منصور مشفق، چاپ دوم، تهران: صفی علیشاه. ۱۳۶۲.
- ۱۲- فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی، امینی، امیرقلی، تهران: مؤسسه علی اکبر علمی
- ۱۳- فرهنگ فارسی عامیانه، نجفی، ابوالحسن، چاپ اول، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۷.
- ۱۴- فرهنگ فارسی معین، معین، محمد، به اهتمام عزیزالله علی زاده، محمود نامی، تهران: نامن، ۱۳۸۴.
- ۱۵- فرهنگ فشرده سخن، انوری، حسن، چاپ هفتم، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- ۱۶- فرهنگ کنایات سخن، انوری، حسن، چاپ سوم، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- ۱۷- فرهنگ لغات عامیانه، جمالزاده، محمدعلی، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
- ۱۸- کلیات دیوان شوریده شیرازی، به اهتمام دکتر خسرو فصیحی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران- مک گیل، ۱۳۸۹.

- ۱۹- کلیات دیوان وصال شیرازی. وصال شیرازی، محمد شفیع. محمد عباسی، کتابفروشی فخر رازی. ۱۳۶۲.
- ۲۰- کلیات محمود خان ملک الشعراء. محمودخان ملک‌الشعراء، محمود بن محمد حسین. به تصحیح حسن عاطفی، افشین عاطفی، تهران: آران و بیدگل: آثار جاودانه. ۱۳۸۵.
- ۲۲- مجموعه آثار یغمای جندقی. یغمای جندقی، میرزا رحیم. با کوشش نصرت‌الله نوح، تهران: آرمان. ۱۳۸۵.
- ۲۳- معتقدات و آداب ایرانی از عهد صفویه تا دوره پهلوی، ماله، هانری، مهدی روشن ضمیر، تهران: شفیعی، ۱۳۹۱.